

پیش‌خوران

نظری و‌گذری بر رفتار سیاسی آیت‌الله محمد تقی مصباح یزدی

نمادها و اسنادی از «سیاست‌ورزی مؤمنانه»

■ سمانه صادقی



اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، همانگونه که از عنوان آن هویداست، به «بررسی رفتار سیاسی آیت‌الله محمد تقی مصباح

یزدی» پرداخته است. این پژوهش ازسوی محمدحسن روزی‌طلب انجام شده و انتشارات چاپ و نشر بین‌الملل، آن را روانه بازار کتاب کرده است. تارنمای «کتاب‌رسان» در اشاره به مضمون و محتوای این تحقیق، به نکات پی آمده اشعارت برده است: «از جمله خاصه‌هایی که مرحوم علامه مصباح یزدی را از دیگر علمای زمانه متمایز می‌ساخت، حضور فعال و مؤثر ایشان در صحنه‌های سیاسی کشور بود. در زمانه‌ای که بسیاری از فقها و اهل علم فعالیت در این حوزه را منافای بازی روحانیت می‌دانند و جایگاه روحانیت در چنین اموری را معتبر نمی‌شناسند، ایشان به‌شخصه برای شناخت‌کنندپای برتر و آداره صحنه سیاسی کشور ورود می‌کردند و کنشگری لازم را انجام می‌دادند. نویسنده این کتاب که در حوزه مستندنگاری و تاریخ تحلیلی فعالیت کرده، تلاش نموده تا مروری بر گفتار و رفتار ایشان در ساحت سیاست را از سال‌های ۸۴ تا ۹۲مطمح نظر قرار دهد. نکته حائز اهمیت در این بررسی، ثبات فکری و نظری ایشان طی این مدت است. گرچه جریان‌ها و شخصیت‌هایی که حول این عالم آگاه حاضر بودند، در این بازه زمانی دچار تلون‌ها و تغییرهای بسیاری شدند اما توصیه‌های آیت‌الله مصباح همواره مطابق موازین حکومت اسلامی باقی ماند و ایشان تلاش نمودند تا از طریق ولایت، به انتخاب اصلح کمک نمایند. روزی‌طلب تلاش کرده تا بدون جانبداری و با استناد به مواضع رسمی ایشان، تصویری واضح و صریح از



► دهه ۶۰ آیت‌الله محمد تقی مصباح یزدی

بیش‌سیاسی آن بزرگ ارانه و روایتی متقن از این شخصیت، در برابر دروغ‌ها و اخبار مخدوش قرار دهد. انتخابات سال ۹۲ و شکست جریان منتسب به آیت‌الله مصباح در این دوره را شاید بتوان مهم‌ترین بخش این کتاب دانست. نویسنده سعی دارد نشان دهد، برخلاف تصور آذهان عمومی، این شکست نه مربوط به این عالم وارسته که به جهت بدهدیی افرادی بود که منافع شخصی را بر جبهه پایداری ترجیح دادند.

در فصلی از این اثر و برای زمینه‌یابی انحرافات خاص، به‌این بخش از اندیشه‌های آیت‌الله مصباح یزدی استناد شده است: «فردی از کودکی دارای نقطه ضعفی بوده و این نقطه ضعف کم‌کم در وجود او رشد کرده، به مرور زمان جوانه زده و تبدیل به درخت تناوری شده! این دیگر خوب بشو نیست... خب کسی که عاشق مقام است، ۱۰سال، ۲۰سال، ۵۰سال نتوانسته به این مقام برسد، حالا زمینه‌اش فراهم شده و می‌خواهد انتقام این محرومیت را بگیرد! طبیعی است که تا پیش از ریاست‌فرد خوبی بوده اما پس از آن دچار تغییر می‌شود و از این بخش از روحانی منفی، بر بخش‌های دیگر غلبه می‌یابد. به نظر بنده باید به دقت، نقطه ضعف‌های اخلاقی و دلبستگی افرادی که دچار تغییر و انحراف شده‌ان را بررسی کرد تا متوجه شد چه چیزی آنان را به اینجا کشانده است. درباره برخی از این خواص، نمی‌توان گفت که ایشان نمی‌فهمیدند، بله، بر خسی از اینها فکر قوی ندارند، کودن هستند که علائم و نشانه‌هایی دارد اما برخی از این خواص در مسائل گوناگون جهانی نظر می‌دهند و به نوعی صاحب نظرند. بدون شک ریشه این انحراف، به دلبستگی‌های این افراد بر می‌گردد که از گذشته در وجودشان بوده، رشد کرده و دیگر به جایی رسیده که اسیر آن خواسته‌ها شده‌اند...»

پیش از ریاست‌فرد خوبی بوده اما پس از آن دچار تغییر می‌شود و از این بخش از روحانی منفی، بر بخش‌های دیگر غلبه می‌یابد. به نظر بنده باید به دقت، نقطه ضعف‌های اخلاقی و دلبستگی افرادی که دچار تغییر و انحراف شده‌ان را بررسی کرد تا متوجه شد چه چیزی آنان را به اینجا کشانده است. درباره برخی از این خواص، نمی‌توان گفت که ایشان نمی‌فهمیدند، بله، بر خسی از اینها فکر قوی ندارند، کودن هستند که علائم و نشانه‌هایی دارد اما برخی از این خواص در مسائل گوناگون جهانی نظر می‌دهند و به نوعی صاحب نظرند. بدون شک ریشه این انحراف، به دلبستگی‌های این افراد بر می‌گردد که از گذشته در وجودشان بوده، رشد کرده و دیگر به جایی رسیده که اسیر آن خواسته‌ها شده‌اند...»

شهید سیدحسن نصرالله: «خداوند به برادران ما در حزب‌الله، این نعمت بزرگ را عطا کرد که از فیض وجود علامه مصباح بهره‌مند شوند. به محضر ش شرفیاب گردند، تا از روح بزرگ او الهام گیرند و از اندیشه پر جذبه‌اش سیراب شوند. او از سر شفقت، در لبنان به ملاقات ما آمد و با مجاهدان و خانواده‌های آنان دیدار کرد. به نقطه‌های مرزی سرکشی نمود و با نیروهای مقاومت، همنشین شد و مصاحبت کرد...»

عاریخ

تاریخ ۶۰۴۰۲۳۸۸



زنده‌یاد آیت‌الله محمد تقی مصباح یزدی و نیم قرن دغدغه تدوین علوم انسانی اسلامی

اندیشه و مدیریت او باغوغای دشمنان پنهان نماند

■ **احمد رضا صدری**

پنج‌سال از رحلت فقیه، مفسر، متکلم و فیلسوف نامدار جهان اسلام و تشیع، زنده‌یاد آیت‌الله محمد تقی مصباح یزدی سپری شد. هم‌ا از این روی و در بسط نیم‌قرن دغدغه و تکاپوی آن بزرگ در پرساختن علوم انسانی اسلامی، مقال پی آمده را به شما تقدیم می‌داریم. امید آنکه علاقه‌مندان را مقید و مقبول آید.

■ **در جامعیت علمی و در میان فضایی بر جسته**

معاصر، همتای او مشاهده نمی‌شد
کسی که دغدغه‌ای به سترگی ایجاد و تولید علوم انسانی اسلامی دارد، لاجرم باید در شاخه‌های گوناگون این علوم و نیز قدرت نظریه‌پردازی و طرح بهینه آن در جوامع علمی، به غایت چیره دست باشد. زنده‌یاد آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی که به درازای نیم قرن در این طریق گام برداشت، به گمان دوست و دشمن واجد چنین توانمندی‌هایی بود و آثار برجای مانده از وی، گواهی بر این مدعاست. رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار خویش با خانواده آن فقید سعید در مورخه ۵دی ۱۴۰۱، در این باره به ترتیب پی‌آمده شهادت داده‌اند:

«مرحوم آقای مصباح (رضوان‌الله‌علیه) یک خصوصیات منحصربه‌فردی داشتند که من در مجموعه فضایی برجسته‌قم که از قدیم می‌شناختم و حالا هم‌بمدالله بر کات بعضی‌شان ادامه دارد، نگاه می‌کنم، جامع این خصوصیات را آنگونه که در مرحوم آقای مصباح وجود داشت، مشاهده نمی‌کنم؛ علم فراوان، فکر خوب و نوآور، بیان رسا و واضح، انگیزه تمام‌نشدنی و بی‌نظیر، خفقیات و رفتارهای شایسته و برجسته، سلوک و معرفت و توجه معنوی و مانند اینها، مجموع اینها را واقعاً انسان نمی‌تواند پیدا کند. اینها در آقای مصباح، جمع بود. بالاخره رفتن برای همه هست: اَلْکَ مِیْتُ و اَنْهَم مَیْتُون! اگر چه خسارت است اما بالاخره چاره‌ای نیست، ناگزیریم؛ علاج این است که آن راه ادامه پیدا کند؛ آن ابتکار و آن کارهایی که ایشان کرده‌اند: همین طرح ولایت یکی از ابتکارات ایشان است؛ همین تشکیلات عظیم مرکز تحقیقات امام‌خمینی یکی از همان ابتکارات است؛ کتاب‌هایی که ایشان نوشته‌اند، چه کتاب‌های علمی، چه آنچه مربوط به اخلاقیات و معنویات و برای استفاده عموم و مانند اینهاست، یکی از آن کارهاست؛ اینها را نباید گذاشت تعطیل شود. الحمدلله آثار ایشان از همه جهت خوب است؛ آثار صوتی ایشان خیلی آثار خوبی است. سخنرانی‌های ایشان را یک مدتی که در آن حسینیہ سخنرانی داشتند، در عصرهای ماه رمضان

«و زندگی‌اش را بر وفق خواست و اراده الهی تدبیر کرده بود و از این رو، وجودش را صرف مسیر خداوند کرده بود. سخن خدا را ترویج می‌کرد و ترنم ناش را بر زبان جاری می‌ساخت و همگان را به سوی او رهنمون می‌کرد. از آنجا که خداوند مواهب خود را برای هر کس که بخواهد، چند برابر می‌کند، آن جایگاه عظیم را به ایشان بخشید؛ چه او شخصیتی نادر و استثنائی در



در حال ایراد سخنرانی پیش از خطبه نماز جمعه یزدی دهه ۷۰ آیت‌الله محمد تقی مصباح یزدی

د

رهبر معظم انقلاب: «مرحوم آقای مصباح خصوصیات منحصر به‌فردی داشتند که من وقتی به مجموعه فضایی بر جسته‌قم نگاه می‌کنم، جامع این خصوصیات را آنگونه که ایشان بود، مشاهده نمی‌کنم. علم فراوان، فکر خوب و نوآور، بیان رسا و واضح، انگیزه تمام‌نشدنی، خفقیات شایسته، سلوک و توجه معنوی و مانند اینها را واقعاً انسان نمی‌تواند یکجا پیدا کند. اینها در آقای مصباح، جمع بود...»

مخصوص به خویش است. آیت‌الله سید محمدرضا مدرسی یزدی از فقهای کنونی شورای نگهبان و شاگردان دیرین آن بزرگ، در این خصوص معتقد است:

«آن مرد بزرگ، از آغاز یک هدیه الهی به حوزه‌های علمیه و جامعه اسلامی بود. خداوند بزرگ، ابعاد مختلفی را در این وجود عزیز به ودیعه گذاشته بود. استعدادهای متعددی از نظر ظاهر و معنا، در ایشان بود. به انداز‌های که بنده طی ۵۰سالگی که خدمت ایشان بودم، اطلاع دارم این بزرگوار بعد از تحصیلات ابتدایی، وارد حوزه علمیه یزد شدند و مورد عنایت خاص بودند. مرحوم آیت‌الله ابوترابی(اعلی‌الله مقامه‌الشریف) نقل می‌کردند پدر بزرگ مرحوم آقای مصباح – که از صف بازاری‌ها بودند- چنان توجه به نوه خود و هوش او داشتند که می‌گفتند ایشان بحر العلوم خواهد شد. معلوم بود از همان آغاز، یک نوع برجستگی خاصی داشتند. حدود ۱۹سالگی به قم مشرف می‌شوند و در درس حضرت امام (قدس سره) – که یکی از درس‌های اصلی و مهم حوزه آن زمان بود- وارد می‌شوند. از همان آغاز وقتی نام ایشان

در مجامع علمی برده می‌شد، یک نام ممتاز از نظر اخلاق و کردار بود. معمولاً بعد از طی دروس اصلی حوزه، طلبه باید تصمیم بگیرد، تلاش خود را در کدام قسمت متمرکز کند. طبعاً در آن زمان، معمولاً انتخاب نمی‌کردند و با روال حوزه جلو می‌رفتند. افراد معدودی، انتخاب‌های خاص داشتند. ایشان در عین آنکه بحث‌های فقهی را ادامه می‌دادند اما یک تصمیم سرنوشته‌فقی گرفتند. ایشان با توجه به شرایط آن زمان و نیازهای جامعه اسلامی و نیازهای حوزه، تلاش خود را در تفسیر و فلسفه متمرکز کردند. این مصداق روایت العالمُ بزمانه لا یتَخَمُ غلبه الواوِس بود. در زمان هجوم مارکسیست‌های غریگرا و بعد التقاطیون علم‌گرای بریده از دین، شبهات دشمن نسبت به دین و قرآن و اهل‌بیت(ع)، پی‌درپی وارد می‌شد. این مرد هوشیار، مدتی به‌متحد تصمیم می‌گیرد که تلاش خود را بر تفسیر، فلسفه و معارف اسلامی متمرکز کند. نه تنها خود، بلکه تلاش می‌کند تا جریانی را به همراه داشته‌ان متعدد، عالم و زمان‌شناس خویش، در این مسیر فعال کند. حضور ایشان در مدرسه ختانی، به همراه شهید آیت‌الله بهشتی، شهید آیت‌الله قدوسی و دیگر علمای برجسته آن زمان، یک حرکت بنیادین عظیم را ارزشمند بود. انصافاً باید افزود، این مرد هوشیار، از روشمند بود. اهداف کار و خدمات ایشان، بزرگ بود. وقتی آن بزرگوار به مؤسسه در راه‌حق منتقل شدند، با توجه به فعالیت‌های دشمن و انحرافی که در جوانان جامعه‌ای رزمنده‌ای آنان آشفتید، ایشان در همه این عرصه‌ها، نگاه و تحلیل دینی داشتند و نشان دادند می‌توان در سیاست نیز بر اساس ایمان، حکمت و معیارهای الهی عمل کرد. این نوع نگاه که همان‌اکنون است. شخصیت تشکیلاتی و سیاسی و اجتماعی باشد و مطالعه دقیق آن، درس‌های فراوانی را برای ما به همراه دارد؛ درس‌هایی که امروز بیش از هر زمان دیگر، جامعه ما به آنها نیازمند است. شخصیت ایشان تنها در حوزه‌های فلسفی و نظری خلاصه نمی‌شد؛ در بعد خودسازی، تهذیب و سلوک معنوی نیز می‌توان به ابواب تازه‌ای از شناخت ایشان دست یافت. سبک عرفانی همراه با نظم، براساس خلوص و تواضع خیره‌کننده، بخش مهمی از زندگی ایشان بود که نیازمند بررسی و ارائه به جامعه است؛ به‌ویژه برای جوانانی که در پی یافتن نمونه‌های عملی، برای دینداری عالمانه و اخلاقی هستند. یکی از مهم‌ترین حوزه‌های فعالیت مرحوم استاد، ورود عمیق ایشان به مباحث علوم انسانی بود. این بخش از فعالیت‌های ایشان، یکی از ابتکارات روشن و ماندگار بود؛ به‌ویژه آنکه پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی، این حوزه از خلاهای جدی محسوب می‌شد. ایشان از نخستین کسانی بودند که ضرورت اصلاح، بازسازی و اسلامی‌سازی علوم انسانی را درک کرده و برای انجام آن وارد میدان شدند. جمهوری اسلامی به‌عنوان نظامی نوپا، نوآور و متفاوت از نظام‌های سیاسی، به‌ویژه حکومت‌های ایجاد شده پس از رنسانس و عصر روشنگری در غرب شکل گرفت. ارائه الگوی اسلامی برای علوم انسانی، یکی از رسالت‌های اساسی علامه مصباح بود و ادامه این مسیر، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای آینده جمهوری اسلامی است؛ ضرورتی که هر روز بیشتر از دیروز درک می‌شود و از آن سخن به میان می‌آید...»

۹ جوان | شماره ۷۴۹۰

همکاری حوزه و دانشگاه شدیم. من در مباحث مدیریتی، در طول ۳۰سالگی که در نهادهای مختلف بوده‌ام، در طرح‌ها و تحولات، با ایشان در ارتباط مستمر بودم و نزدیک‌ترین کسی که من به ایشان اتکا می‌کردم(با آن نگاه کلی که از حضرت آقا گرفتم و به دنبال پیشبرد آن بودم) ایشان بودند. به نظر بنده، با فوت ایشان، یک تکیه‌گاه بزرگ فرو ریخت! ایشان در هر موضوعی که وارد می‌شدند، واقفا عمیق و نوآور بودند. من قدری جسورانه می‌گویم که نوآوری‌های ایشان در مباحث فلسفی و کلامی، از بزرگانی مانند شهید آیت‌الله مطهری نیز بیشتر بوده است و می‌توانیم بگوییم بعد از علامه طباطبایی، اولین نوآور، مبدع و صاحب نظریه در دست و عمیق در حوزه علمیه قم، ایشان بوده است. ویژگی دیگر علامه مصباح، فکر بسیار منظم و نظام‌مند بود و دیگر خصلت ایشان نیز آن بود که جامعیت بالایی داشتند. بنابراین می‌توانیم بگوییم که ایشان به همه جوانب علوم اسلامی توجه و اشراف داشتند. هیچ حسی در وجود ایشان، به‌جز کشف حقیقت و پایبندی به وظیفه وجود نداشت. ایشان صاحب فکر برنامه‌ریز، ساختاری و سازمانی بود که مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی گوشه‌ای از تجلیات این اندیشه است. در آخرین جلسه‌ای که ما در خدمت‌شان بودیم، از قدرت مدیریت شهید آیت‌الله بهشتی می‌گفتند. من بیشتر طرح‌های کلان حوزه را مطرح کردم، ایشان نیز ناظر بر همان طرح‌ها، نکات مهم و جالبی را بیان فرمودند. می‌توان گفت که همان جلسه، نشان دهنده عمق دیدگاه راهبردی و آینده‌نگرانه مدیریتی ایشان بود. به جد می‌توان گفت که شخصیتی در تراز ایشان، بسیار کم وجود دارد و آشنایی عموم جامعه با ایشان، خبرات و برکات زیادی خواهد داشت...»

■ **او نشان داد در سیاست، می‌توان بر اساس**

معیارهای الهی عمل کرد

و سرانجام تحقق «سیاست دینی» و ممانعت از وابستگی به نسخه غرب در این باره، در زمره کاروویژه‌های آیت‌الله مصباح یزدی بود. وی در این فقره، مجاهدت فراوان کرد و ایضاً ثرور شخصیت سنگینی را نیز متحمل شد. در حجت‌الاسلام والمسلمین مجتبی مصباح یزدی، فرزند آن اندیشمند والا، در این باره به نکات ذیل اشارت برده است: «ابعد علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اخلاقی شخصیت حضرت آیت‌الله مصباح، چنان گسترده و متکثر است که اگر هر چند وقت یکبار یکی از این وجوه را محور تأمل و بحث قرار دهیم، بازهم حاق مطلب ادا نخواهد شد! در اساتذات‌های مختلف علوم اسلامی، از فلسفه و کلام گرفته تا عرفان، تفسیر، اخلاق، حدیث و حتی حوزه‌هایی که کمتر در فضای حوزوی مورد توجه قرار می‌گرفت، مانند مباحث بنیادین علوم اسلامی، خداوند توفیقی ویژه به ایشان عطا فرموده بود. این حوزه‌ها، هر کدام رشته‌ای تخصصی است و به همین دلیل ضرورت دارد تا متخصصان هر حوزه، به تبیین این اندیشه‌ها، اقدامات علمی، نظری و با‌دید و روش‌های ابتکاری آیت‌الله مصباح بپردازند. آنان باید در فهم و توسعه آرای ایشان و گسترش مرزهای معرفت دینی تلاش کنند و دستاوردهای این تحقیقات را به جامعه علمی و جهانی عرضه نمایند. در زمینه سیاست‌ورزی اسلامی، ایشان نمونه‌ای بارز از سیاستمداری مؤمن، هوشمند و عمیق‌نگر بود. برخلاف برخی نگاه‌های سطحی و خافق که گمان می‌کنند دینداری و معنویت با عرصه‌هایی مانند سیاست، اقتصاد و مدیریت اجتماعی جمع نمی‌شود و این‌س عرصه‌ها باید بر اساس فرمول‌های رایج جهانی هدایت شود، آیت‌الله مصباح اینگونه نمی‌اندیشید. ایشان در همه این عرصه‌ها، نگاه و تحلیل دینی داشتند و نشان دادند می‌توان در سیاست نیز بر اساس ایمان، حکمت و معیارهای الهی عمل کرد. این نوع نگاه که همان‌اکنون است. شخصیت تشکیلاتی و سیاسی و اجتماعی باشد و مطالعه دقیق آن، درس‌های فراوانی را برای ما به همراه دارد؛ درس‌هایی که امروز بیش از هر زمان دیگر، جامعه ما به آنها نیازمند است. شخصیت ایشان تنها در حوزه‌های فلسفی و نظری خلاصه نمی‌شد؛ در بعد خودسازی، تهذیب و سلوک معنوی نیز می‌توان به ابواب تازه‌ای از شناخت ایشان دست یافت. سبک عرفانی همراه با نظم، براساس خلوص و تواضع خیره‌کننده، بخش مهمی از زندگی ایشان بود که نیازمند بررسی و ارائه به جامعه است؛ به‌ویژه برای جوانانی که در پی یافتن نمونه‌های عملی، برای دینداری عالمانه و اخلاقی هستند. یکی از مهم‌ترین حوزه‌های فعالیت مرحوم استاد، ورود عمیق ایشان به مباحث علوم انسانی بود. این بخش از فعالیت‌های ایشان، یکی از ابتکارات روشن و ماندگار بود؛ به‌ویژه آنکه پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی، این حوزه از خلاهای جدی محسوب می‌شد. ایشان از نخستین کسانی بودند که ضرورت اصلاح، بازسازی و اسلامی‌سازی علوم انسانی را درک کرده و برای انجام آن وارد میدان شدند. جمهوری اسلامی به‌عنوان نظامی نوپا، نوآور و متفاوت از نظام‌های سیاسی، به‌ویژه حکومت‌های ایجاد شده پس از رنسانس و عصر روشنگری در غرب شکل گرفت. ارائه الگوی اسلامی برای علوم انسانی، یکی از رسالت‌های اساسی علامه مصباح بود و ادامه این مسیر، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای آینده جمهوری اسلامی است؛ ضرورتی که هر روز بیشتر از دیروز درک می‌شود و از آن سخن به میان می‌آید...»